

به محترم آقای احمد علی؛

با عرض سلام؛ بدینوسیله به اطلاع شما رسانیده میشود که این برای سومین بار است که نوشته ارسالی شما، به آدرس الکترونیکی سایت (بابا) مواصلت می نماید. اولین بار بتاريخ 10 جنوری و آنهم از آدرسی بنام ahmad@auburndiversity.org.au، متعاقباً برای بار دوم بتاريخ 12 جنوری از آدرس الکترونیکی به اسم "نوش علی"، و سرانجام برای سومین بار بتاريخ 20 جنوری از آدرسی به نام "احمد علی".

از آنجاییکه نوشته شما در همان نخستین مرتبه، از آدرس یک سازمان استرالیایی و آنهم با ملاحظاتی سوال برانگیز به زبان انگلیسی، ارسال شده بود، ما هم اصولاً نمی توانستیم - و در همچو مواردی آگاهانه نمی خواهیم - چنین ایمیل هایی را بازکنیم، چون بعلت "ویروس"، خطر بروز اختلال در سیستم خدماتی (سایت) وجود دارد. این البته نه یک تعامل خاص در قبال ایمیل شما، بلکه رویکردی عمومی با همه آن آدرس ها و نام هایی میباشد که در نگاه اول ناشناخته و مرموز به نظر آیند.

با مواصلت ایمیل شما برای دومین بار به اسم ساده "نوش علی"، ما آنرا باز کرده و از متن آن آگاهی حاصل نمودیم؛ با همین اطمینان به ایمیل اولی تان هم بازگشتیم که نوشته ای با عین محتوا بود.

باید خاطرنشان ساخت که ما نوشته ارسالی تان را مستولانه و بسیار بدقت مطالعه نموده، اما بدلیل معینی، نمی توانستیم به نشر آن مبادرت نماییم؛ متأسفانه فرصت آن را هم نکردیم تا ضمن نگارش یک نامه، دلیل عدم انتشار آن را بفوریت برای شما بازگو کنیم. اینک که همان "نوشته" شما برای سومین بار متوالی و آنهم با تقاضای صریح برای انتشار، به آدرس ما رسیده است، لازم انگاشته شد تا با انشای یادداشت کنونی، دلیل عدم انتشار آنرا هم در (بابا)، به اطلاع شما برسانیم.

البته باید بدانید که ما تا مطالعه همین نوشته ارسالی تان، هیچگونه معرفت و آشنایی قبلی با اسم شما و گذشته سیاسی تان نداشتیم؛ برای اولین بار است که اسم "احمد علی" با یک سابقه سیاسی - چه قبل و چه در دوره زندان در پلچرخی - را از نوشته و قلم خود شما می خوانیم. پس ناگفته پیداست که در عدم انتشار مطلب ارسالی شما، هیچگونه ملاحظه سیاسی - شخصی قبلی و هیچگونه پیش قضاوتی ای وجود نداشته و نمی تواند وجود داشته باشد.

آنگونه که از متن نوشته تان استنباط میگردد، شما به اظهاریه های آمده در نوشته های برخی از "خاطرات نویسان" که طی آن، شما را باید به تسلیم شدن به "خاد" و همکاری با دولت دست نشانده خلقی ها و پرچمی های میهن فروش متهم ساخته باشند، واکنش نشان داده و بنابراین، اظهاریه های مزبور را، تهمت و بهتان قلمداد می نمایید.

اینکه شما در رد چنین اظهاریه هایی بنویسید؛ اظهارات خودتان را در کنار آنها قرار بدهید؛ با ارائه فاکت، سند، دلیل و برهان، از خویشتن دفاع کرده و به اصطلاح اعاده حیثیت کنید ... یک حق مسلم انسانی شما و هر کس دیگری میباشد که بناحق مورد سوء ظن و اتهام ناروا قرار گرفته باشد.

ما هم چه از موضع یک ارگان نشراتی، چه در مقام خواننده همین ارگان و چه هم بطور عام بعنوان مردم عادی، خواست و انتظار آنرا داریم که از اصل واقعیت های مربوط به میهن و درد و رنج مردمان آن اطلاع یافته، حقایق را همانگونه که بوده و هستند بدانیم و اشاعه بخشیم، و آنهم نه به ساقیه حس

کنجکاوی، نه بدلیل شیفتگی به خواندن اتهام و اتهام زنی ها، شنیدن شایعات و شایعه پراگنی ها و اشاعه آنها، بلکه چنانچه اشاره رفت، بدلیل وقوف بر درد و رنج ها و روزگار تیره و تار گذشته مردم دردمند و زجر کشیده ما، برای شناخت از دوستان و دشمنان مردم، و سرانجام برای عبرت گرفتن از همه وقایع و رویداد های سپری گشته گذشته.

مسلم است که برای همین شناخت و آموزش از خوب و بد گذشته، تنها و تنها می توان و باید بر واقعیت های عینی توأم با فاکت و سند مورد قبول اتکا جست، زیرا فقط با بررسی واقعیت است که میشود به حقیقت دست یافت. البته این را هم می دانیم که ما، نه قاضی و نه هم دادگاهی برای قضاوت و اصدار حکم میباشیم. با چنین اظهاراتی می خواهیم بر این نکته تأکید کنیم که ما، در انتشار و یا عدم انتشار دفاعیه شخص شما، هیچ پیش قضاوتی ای نداشته و نمی توانیم داشته باشیم.

اما آنچه که ما را از نشر نوشته تان در (بابا) باز میدارد، همانا موضعگیری بسیار خصمانه، صریح و روشن شما در قبال انقلاب، بطور مشخص در رابطه با انقلاب اکتبر، کشور شورا ها و پیشوایان پرولتاریای جهانی میباشد. هرچند شما در نوشته خودتان، در بیان این نکته اصرار دارید که مدتهاست از سیاست دست کشیده اید، ولی موضعگیری شما، چنانچه ملاحظه میشود، عکس ادعای تان را مبرهن میسازد؛ از مطالعه همین موضعگیری و اظهارات مندرجه در نوشته تان، شاید بشود چنین استنتاج نمود، که شما تنها از سیاست انقلابی مردمی باید دست کشیده باشید!

کیست که از سیاست دست کشیده باشد (نمی گویم آدم غیر سیاسی)، ولی در عین زمان به یکی از بنیادی ترین مسایل سیاسی اجتماعی جهان طبقاتی، یعنی تضاد انقلاب و ضد انقلاب، تماس گرفته، موضعگیری نموده و به قضاوت بنشیند؟!

چه ضرورت و اجباری وجود داشته و دارد، که شما دفاعیه سیاسی - شخصی خویش را، نه بر پایه فاکت و سند استواری پیرامون یک عملکرد مشخص سیاسی خودتان در زندان، بلکه با حمله خصمانه بر سیاست انقلابی، ایدئولوژی انقلابی و پیشوایان آن بنا نمایید؟! و ...

اتهامات، اهانت ها و حملات خصمانه شما بر پیشوایان پرولتاریای جهانی، نمی تواند سند حقانیت و برائت شما از اتهامات وارده بر گذشته دوران زندان تان گشته و براین مبنا، اظهاریه های دیگران را بی اعتبار گرداند!

باری، موضعگیری شما در قبال پیشوایان پرولتاریا جهانی و کشور شوراها، آنگونه که در نوشته تان درج گردیده است، به هیچوجه برای ما قابل قبول نبوده و نمی تواند باشد. فهم، برداشت و اعتقاد ما به انقلاب اکتبر، به استقرار کشور شوراها، به خط مشی هدایت کننده و پراتیک عملی، در یک کلام، به تمام دوران ساختمان سوسیالیسم در تحت رهبری استالین، 180 درجه با فهم، برداشت و قضاوت شما منافات دارد. آنچه را که شما درج نوشته تان نموده و به هر منبعی هم که استناد نموده اید، برای ما ناخوانده و ناشنیده نمی باشد؛ هزار ها بار زشت تر و زننده تر از اظهارات شما، شایعه پراگنی ها و اتهامات بورژوازی بین المللی یعنی توطئه گری های دشمنان شناخته شده سوسیالیسم علمی یا کمونیسم میباشد که همواره و به شیوه های گوناگونی به جعل تاریخ و تحریف واقعیت های تاریخی پرداخته، تا از خلال آن، اگر بتوانند پیشوایان کمونیسم را در اذهان ناآگاه توده های مردم، گویا بدنام نمایند!

گمان نمی رود که در مقایسه با سعی و تلاش همیشگی و مذبحانه امپریالیسم و ارتجاع با تمامی امکاناتی که در اختیار دارند، اظهارات شما بتواند جایی را بگیرد. ما اصلا فکر نمی کنیم که با یک چنین

بیانات و موضعگیری ای، میسر گردد تا شما از نام و حیثیت خودتان نیز دفاع نموده، و چه بسا جلب توجه آنانی را نمایید که به اندیشه های آزادیخواهانه، مترقی و انقلابی اعتقاد، و به پیشوایان پرولتاریا جهانی عمیقا باور و احترام دارند.

در واقع، عمدتا همین طیف مردمان اند که سایت (بابا) و انتشارات آنرا مطالعه می نمایند - آنانی که بی تردید اظهارات شما پیرامون انقلاب اکتبر، کشور شوراهای و پیشوایان طبقه کارگر و خلق های زحمتکش و تحت ستم جهان را، عینا اهانت به خویش خواهند پنداشت.

پس می بینید که همین اظهارات شما، نه تنها در تضادی آشتی ناپذیر با اعتقادات ما، نه فقط مغایر پالیسی نشراتی سایت (بابا)، بلکه همچنان مخالف باورها و تمایلات خوانندگان علاقمند همین سایت نیز میباشد. انتشار نوشته شما با یک چنین اظهارات و موضعگیری هایی، چنانچه تذکار یافت، نه تنها موجب نارضایتی خوانندگان (بابا) میگردد؛ نه تنها به امر اعاده حیثیت شما کمکی نخواهد کرد، بلکه همان اظهار نظر ها و بقول شما، اتهامات دیگران در حق شما را، تقویت نیز خواهد کرد، زیرا از دیدگاه انقلابی، تسلیم طلبی طبقاتی، به تسلیم طلبی ملی هم می انجامد؛ یعنی آنانی که به انقلاب، طبقه انقلابی و اندیشه انقلابی پشت کرده و با آن خصومت ورزند، بعید نیست که بر هر طرح، پیشنهاد و سند مذلتبار ضد انقلابی امضا، و به هر خفت، دنائت و خیانتی تن دهند؛ کم نیست مثال و نمونه چنین آدم هایی چه در مقیاس جهانی و چه هم در رابطه با گذشته و حال جنبش انقلابی کشور، که شما هم در نوشته خودتان، به گوشه هایی از آن تماس گرفته و نام هایی را به قید قلم کشیده اید.

از اینجاست که موضعگیری شما در قبال پیشوایان پرولتاریا، انقلاب اکتبر و شوروی سوسیالیستی که شما آنرا بغلط، با شوروی سوسیال امپریالیستی معاوضه نموده اید، نمی تواند از یک تریبون انقلابی انتشار یابد.

با این وجود، چنانچه بپندارید که دشمنی با اندیشه انقلابی و اهانت به پیشوایان انقلاب، شما را از اتهامات وارده بر خودتان منزه گردانیده و اعاده حیثیت می نماید؛ و چنانچه شما بر یک چنین پنداری پافشاری نموده و بر انتشار آن اصرار داشته باشید، در آنصورت کم نیست منابع و ارگان های نشراتی ای که از یک چنین اظهاراتی استقبال، و آنرا به طیب خاطر نشر و اشاعه بخشند.

ما به آزادی عقیده و بیان بعنوان یک اصل عام دموکراتیک باور داشته، همین حق را برای هر کسی به رسمیت می شناسیم. به همین سان از دیگران هم انتظار داریم که این حق را از ما نیز دریغ ننمایند، تا از نشر مطالبی که مغایر باور ها و پرنسیپ های ما باشد، جدا احتراز نماییم.

از اینکه کسانی شما را بناحق به این و آن متهم ساخته باشند، خیلی متأسف میباشیم، شما می توانید با پیش کشیدن فاکت و سند، و ارائه دلایل علمی و منطقی خودتان، از نام و حیثیت خودتان دفاع کنید؛ این هم حق مسلم شما میباشد.

سلامت باشید!

هیئت مسئولان (بابا)

24 جنوری 2011

